الكتاب الرابع من سلسلة "بدمائهم نصحوا"

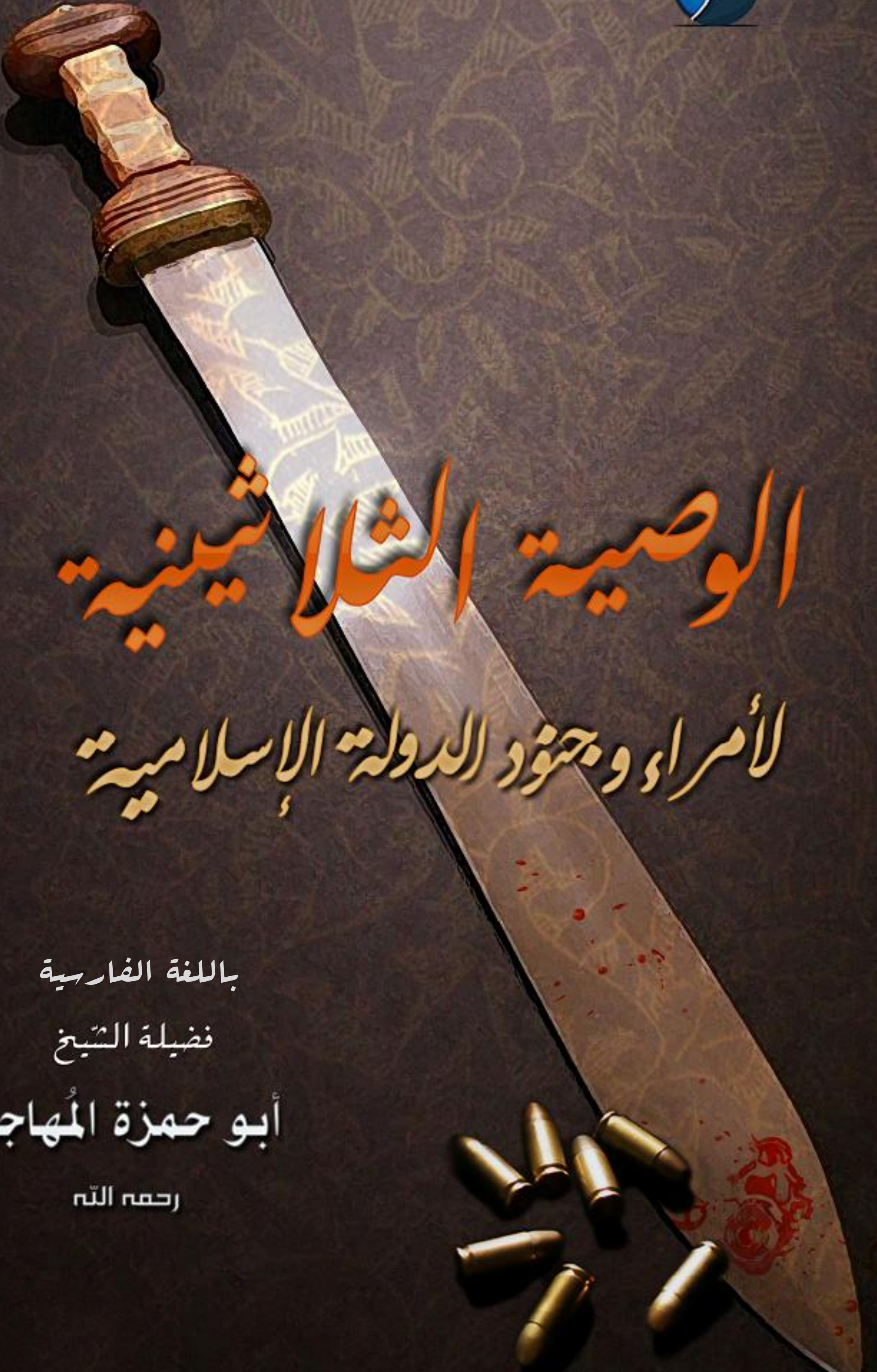

الوصية الثلاثينية

لأمراء وجنود الدولة الإسلامية

باللغة الفارسية

فضيلة الشيخ

أبو حمزة المُهاجر

رحمه الله

مكتبة الهمة

الوصية الثلاثينية

برای امراء و لشکر دولت اسلامی

تألیف

فضیلة الشیخ أبوحمزة المهاجر

وزیر حرب در دولت اسلامی عراق

ترجمه

أبومصعب الخراسانی

کتاب چهارم از سلسله

[بدمائهم نصحوا]

مقدمه.

این دو رساله کوچک در حجم؛ اما در مضمون خویش مفاهیم بزرگ و با ارزشی را در خود دارد،که توسط شیخ مجاهد أبو حمزه المهاجر رحمه الله در أول رمضان سال 1428هـ نوشته شده است، و ضمیمه تجارب شخصی شیخ از ساحات جهاد میباشد، که لشکر مطیع و فرمانبردار و امیر کار آزموده و صادق را برای دولت اسلامی و مجاهدین توصیه میکند، و ما این کلماتی را که با صدق و اخلاص در مورد این دو صنف جامعه اسلامی نوشته شده بود درین رساله جمع کرده ایم چراکه این دو ویژه یگی از ویژه گی های عمده ای طائفه منصوره درین عصر میباشد.

و برغم آنکه این دو رساله امیران و سپاهیان دولت اسلامی را مخاطب قرار داده است اما خواستیم آنرا برای عامه مسلمانان نیز به نشر بسپاریم تا همه از مفاد آن مستفید شوند، و حق شیخ رحمه الله در رسانیدن این پیام برای مجاهدین و عهدی را که با رب خویش بسته بود نیز اداء گردد، همانطوریکه الله مرگ شهادت را درین سرزمین [عراق] در راه خودش برایش در حالی نصیب گردانید که روبرو با دشمن قرار داشت بدون آنکه پشت گردانیده باشد- نحسبه کذلک و الله حسیبه....

رساله اول

وصایا

برای امیران ....

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه من والاه اما بعد:

ای برادر مجاهد و محبوبم! این بعضی نصیحت هایست که آنرا برای تو از زبان بعضی از رجال و متون کتب جمع آوری کرده ام، بدون آنکه دعوی حکمت و فقاهت در آن داشته باشم، از الله مسألت دارم تا آنرا وسیله انتفاع برای خودم و پند برای شما قرار دهد - و الله من وراء القصد.

[1]

به الله اخلاص داشته باش؛ زیرا درین امر نجات دنیا و آخرت ات نهفته میباشد، همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**تَكَفَّلَ اللهُ لِمَنْ جَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ، لاَ يُخْرِجُهُ إِلاَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، وَتَصْدِيقُ كَلِمَاتِهِ، بِأَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، أَوْ يَرْجِعَهُ إِلَى مَسْكَنِهِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ مَعَ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ**»[1].

ترجمه: الله کفالت کرده است کسی را که در راه او جهاد و قتال میکند، و جز برای جهاد در راه او و تصدیق قرآن و سنت از خانه [و وطن] خویش بیرون نمیشود ، وارد جنت نماید، اگر شهید نشد او را با اجر و پاداش و غنائم به همان منزلی که برای جهاد از آن خارج شده است برگرداند.

و از اعمالت جز بلند کردن کلمه الله قصدی نداشته باش؛ همانطوریکه از أبي موسى روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد آن شخصیکه بخاطر شجاعت ودلیری، و یا بخاطر تعصب که در برابر قوم و وطن خویش دارد، و یا بخاطر ریاء و خودنمائی میجنگد پرسیده شد، که کدام یکی در راه الله جنگیده است؟ نبی صلی الله علیه وسلم گفت: «**مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللهِ هِيَ الْعُلْيَا**

[1]. متفق علیه.

فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللهِ»[2]. ترجمه: هرکسیکه جنگید تا آنکه کلمه الله بلند و پیروز باشد همانکس در راه الله جنگیده است.

[2]

با رعیت خویش به عدالت رفتار کن و خیر خواه آنان باش: زیرا «**مَا مِنْ أَمِيرِ عَشَرَةٍ إِلَّا يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا لَا يَفُكُّهُ إِلَّا الْعَدْلُ أَوْ يُوبِقُهُ الْجَوْرُ** »[3]، ترجمه: هیچ امیری نیست حتی اگر امارت ده نفر را نیز بر عهده داشته باشد اینکه در روز قیامت آورده میشود در حالیکه با زنجیز های [جهنمی] بسته کرده شده است ، او را این عذاب رها نمیسازد جز عدالت اش، و او را در عذاب نگه نمیدارد جز ظلمش.

همچنان «**مَا مِنْ أَمِيرٍ يَلِي أَمْرَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ لَا يَجْهَدُ لَهُمْ وَيَنْصَحُ إِلَّا لَمْ يَدْخُلْ مَعَهُمْ الْجَنَّةَ**»[4]، ترجمه: هیچ امیری نیست که امارت [گروهی] از مسلمانان را بعهده داشته باشد، و سپس در مورد خوبی و خیرخواهی آنان کوشش نکند، جز این نیست که با آنان یکجا داخل جنت نخواهد شد.

و همینطور «**لَا يَسْتَرْعِي اللَّهُ عَبْدًا رَعِيَّةً يَمُوتُ حِينَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَهَا إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ**»[5]. ترجمه: هیچ فردی نیست که الله گروهی را تحت رعیت وی قرار داشته باشد، در حالیکه بمیرد و با ایشان خیانت و فریب کرده باشد، الله جنت را بروی حرام نموده است.

[3]

در امور همیشه با اهل آن به مشاورت و مناظره بپرداز: مناظره توأم با مشاوره طوریکه: نشست یا مجلسی جهت طرح افکار برپا گردد، و نظریات و تعلیق این نظریات از همه اشتراک کننده گان مجلس

[2] .متفق علیه.

[3] . أخرجه أحمد و غيره مرفوعاً بإسناد حسن.

[4] . مسلم.

[5] . متفق علیه.

و مشورده دهنده گان در مورد موضوع و مسأله ای واحدی گرفته شود تا آنکه رأی و نظر جدیدی بوجود میآید، سپس همه آنها جمع بندی گردیده و نظر صواب و درست انتخاب گردد.
و این امر مستفاد این قول الله متعال است:{ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ}؛ ترجمه: ودر کارها با ایشان مشورت کن؛ که درین آیت الله متعال نبی خویش صلی الله علیه وسلم را به مشوره کردن دستور داده است، باوجود آنکه نبی صلی الله علیه وسلم صاحب نبوت و رجاحت[6] و حکمت بود.
پس شما چگونه میخواهید اینکار را ترک بگوید؟!
همچنان روایت است: [آنکه مشوره کند پشیمان نشود ، و آنکه استخاره کند نا امید نگردد][7].
و گفته اند: [آنکه به عقل خود تکیه میکند گمراه میگردد ، و آنکه به رأی خود اکتفاء میکند ذلیل میشود ، و آنکه با صاحبان درایت مشوره میکند راه درستی را اختیار کرده است، و آنکه از صاحبان عقل و خرد در پیش برد امورش کمک میگیرد پیروز در رسیدن به هدف خود است][8].

-بناً لازم است تا هر امیری دارای مجلس شورای حقیقی[9] باشد، عم ازینکه امیر عام [مانند؛ امیر المؤمنین و یا امیر امارت ویا ولایتی] باشد ویا اینکه امیر تنظیم جهادی ویا سریه ای باشد، اما بخاطر باید داشت که با صاحب حاجتی که قصد رفع آنرا دارد، و یا کسیکه دادن مشوره طمع و خواست دنیوی و تفاخر و تکبر دارد، و کسیکه فکر و رأی و خواهشات اش را در حکم و مسئله شرعی در میآمیزد و با این کارش حق و صواب، و فضای مجلس را دگرگون میسازد، نباید مشوره صورت گیرد، همانطوریکه گفته اند: [رأی را بگذار تا آنکه بگندد][10]، و از علی بن أبی

6. رجاحة : معرفت و دانائی معادل= wisdom در انگلیسی. (مترجم).
7. [ما ندم استشار ، و ما خاب من استخار] ، رواه الطبراني وغيره بسند ضعيف.
8. [من استغنى بعقله ضلَّ و من اكتفى برأيه زلَّ ، و من استشار ذوي الألباب سلک سبيل الصواب ، و من استعان بذي العقول فاز بدرک المأمول].
9. مراد شیخ رحمه الله از حقیقی بودن مجالس شوری اینست، که اکثراً مجاهدین مجالس شوری دارند، اما هرگز در امور به مشوره نمی پردازند.
10. [دع الرأي حتى يختمر].

طالب روایت است که میگوید: [رأي الشيخ خير من مشهد الغلام][11]؛ ترجمه: رأی و نظر پیر مرد بهتر از دید و چشم انداز طفل است.[12].

و در امور رعیت، قتال و حرب مشوره نکن جز با صاحبان سِر و اهل مشوره و صدق و اخلاص: زیرا اینکار بخاطر حفظ اسرار و نیل به اهداف برای تو بهتر است، و هرچه بیشتر دقت تو درین امر برای محفوظ بودن تو و برادارنت و اسرار امورت به همان اندازه اصلح میباشد.

همانگونه ای که گفته اند:[مشوره و مناظره باب رحمت الله و کلید برکت او بوده، و کثرت و اختلاف آراء و نظریات شخصی را که به مشوره میپردازد هرگز به سرگردانی و گمراهی نمی کشاند].

[4]

و برحذر باش ازینکه آن نظری را که با رأی و اندیشه ات موافق است [بدون مشوره و مناظره بر بالای آن] ترجح بدهی و به آن اکتفاء کنی و هلاک گردی، و برحذر باش از قرین و دوست بد، که تو را به گمراهی میکشاند، و صبور باش چون صاحبان درایت و علم و نصحیت با رأی و نظر تو مخالفت کنند، و در امری از امور ترا سرزنش نمایند؛ آنگاه برتوست که سخنان و سرزنش هایشان را تحمل کنی، و از علم و انتقاد آنها استفاده کنی و بر سرزنش ایشان خشمگین نشوی؛ اما بخاطر داشته باش! که جز در مقابل اهل علم و فضل و عقل و سن و مروؤت و حیاء چنین انجام ندهی و چنین آسان نگیری [در غیر آن رعب و هیبت ات ازبین میرود و دشمن برتو غالب میآید].

[5]

---

[11]. أخرجه البهقي في السنن الكبرى.

[12]. مراد شیخ رحمه الله ازین وصیت آنست، که امیر باید از آراء و نظریه پردازی ها بیهوده در مجلس اش بپرهیزد، و اجازه ندهد هرکسی از اهل علم، و یا اهل جهل، دانا و نادان ...وغیره در مسئله ای شرعی و امور جهادی و رعیت داری ... سخن گویند، تا آنکه فضاء برای مباحثات و اختلافات باز شود، بدون آنکه گوینده عواقب کارش را تصور کند هرچیزی که خواست از هواء و خواهشات خویش سخن گوید و مجلس شورا و مجاهدین را در شراط دشوار تصمیم گیری قرار دهند، و آنها را گیچ سازند.

و بدانکه برای امیر از دست دادن هیچ چیز و امری در دین و دنیا بزرگتر از آن نیست که حقایق اخبار و احوال رعیت اش از وی پنهان بماند و از حقایق امورشان غافل گردد؛ و نباید [بر گناهان و خطاء های] ایشان پرده افگند، زیرا تو نمیدانی که مردم و رعیت ات از تو چه چیزهای را پنهان میکنند، و اگر بر آنها مسلط نگردی امورت را به فساد و هلاکت میکشاند؛ و آگاه باش که خود را در امنیت نپنداری ، زیرا تو خود را در امن احساس خواهی کرد و آنچه تحت مسئولیت تو [از رعیت و اموال و امور] است همه ضایع گردد و از دست برود ، و آنگاه تو از بدترین امیران خواهی بود.

و از امور خودت شخصاً نظارت کن! و از اعمال و رفتار آن اشخاص امین و صادق و خیر خواهی که در تولی امور رعیت گماشته ای آگاه باش! زیرا [گاهی] امین خیانت میکند، و خیرخواه و صادق فریب میدهد، پس در امور که مسئولیت برعهده ای توست مستحکم و استوار باش؛ همانطوریکه الله متعال میفرماید: **{يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ}**. ترجمه: ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (فرمانروا) قرار دادیم، پس به حق در میان مردم حکم کن، و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه الله گمراه میکند. (زیرا الله تعالی بر تفویض امری بدون تسلیم دهی آن کوتاه نمی آید، و نه او را در اتباع هواء و هوس اش معذور میدارد جز اینکه او را به گمراهی وصف میکند)[13].

و در تلف و تباهی و ویرانی و کشتار عجله نکن، گوئی قصد برپائی فساد در روی زمین را داشته باشی! چون این کار هیچ فرقی با خیانت و فریب کاری ندارد، هرچند در انجام آن مشابهت خیر خواهان را برای خود پیشه کنی؛ و همچون آب و رمه ای بدون چوپان روان مباش؛ صاق باش و بالای برادرانت گمان نیک داشته باش، زیرا احسان ظن[14] از تو یادگار نیکی دراز مدت در دنیا و آخرت برجای میگذارد، و تو را از انجام بزرگترین گناهان و خطاء ها محفوظ میدارد.

[6]

[13]. الماوردي نقلاً عن بدائع السلک في طبائع المللک ؛ الماوردي /الأحكام السلطانية ج1 ص41. (مترجم).

[14]. جمع حسن ظن= گمان نیک.

بر امیر شایسته و لازم است که خود و سپاه خود را به اطاعت از اوامر الله عزوجل و پیروی از سنت نبی صلی الله علیه وسلم و اتباع منهج صحابه آراسته گردان! و در حدود مسئولیت خویش به انجام آن دستور دهد، زیرا کسیکه بخاطر دین الله به جهاد و قتال میپردازد، سزاوار تر به التزام احکام و رعایت حلال و حرام الله نسبت به دیگران میباشد[15]، در غیر آن خود و رعیتت صالح نمیگردد در حالیکه به فساد گرفتار باشی، و به کمال نمیرسی در حالیکه اسیر هوا و هوس خود باشی، و هدایت نمیگردی در حالیکه در گمراهی مصر باشی؛ زیرا چگونه ممکن است کسی که نابینا باشد دیگری را راه نمایاند، و ذلیل باشد دیگری را عزیز گرداند؟ و ذلیل تر از آن کسی نیست که گناهان و معاصی اش او را ذلیل گردانیده است، و عزیز تر از آن کسی نیست که اطاعت الله او را عزت داده است، پس از مصاحبت و همنشینی با فساق و فجار برحذر باش، آنانکه دین و اخلاق تو را تباه میکند و از حق و صواب تو را دور میسازد!!

[7]

و احتیاط کن ازینکه امور و اوضاع برتو تنگ آید و ترا مجبوراً از حق منحرف و بسوی باطل بکشاند؛ زیرا صبر تو بر دشواریها و مصائب راهی برایت بسوی گشایش آسانیها باز میکند، و بدان! عاقبتی آن راهی که ترس از پیروی آن داری بهتر از آن معصیتی است که قصد انجام آنرا داری؛ و بدان که مدار دین بر صبر استوار است.

[8]

و برحذر باش ازینکه خود را با سواری و لباس بهتر و زیبا بیآرائی؛ طوریکه عمر به أبی موسی أشعری نوشت: [....و برای من خبر رسیده است لباس زیبا و خوراک و سواری نیک و زیبا در تو و اهل تو زیاد شده و سخن از آن در میان مردم عام گردیده است در حالیکه مسلمانان را همچون چیزی

---

15. از کلام علامة الماوردي در أحکام السلطانية، ج1 ص80.

نیست، پس آگاه باش و بپرهیز ای بنده ای الله! ازینکه به مانند حیوانی باشی که در وادیی حاصلخیزی میچرد، و جز به چاقی خود نمی اندیشد، در حالیکه هلاکت و فنا او در چاقی اش است، و بدان که هرگاه امیر منحرف گردد رعیتش با او یکجا منحرف میگردد، و بدبخت ترین و تیره روز ترین شخص آنست که رعیت خویش را تیره روز گرداند][16].

[9]

و بدانکه جنگ همانطوریکه میگویند: ثِقِل آن صبر است، وقطب آن مکر، و مدار آن سعی و کوشش، و شمشیر و نیزه آن نرمی و رفق، و لجام آن هوشیاری و زیرکی؛ و بالای هریک ازین موارد آثار و نتایجی مرتب میباشد: طوریکه نتیجه صبر تأیید است و نتیجه مکر کامیابی، و نتیجه سعی و کوشش توفیق، و نتیجه نرمی و رفق امنیت و برکت، و نتیجه هوشیاری و زیرکی سلامتی و امنیت است؛ طوریکه از عمرو بن معدیکرب[17] در مورد حرب سؤال کرده شد او گفت: [آنکه در آن صبر اختیار کند خود را یافته است، آنکه سرکشی و تجاوز کند خود را تلف کرده است][18]؛ پس آگاه باش و خود را از عجله نگهدار! زیرا بسا عجله، پشیمانی و ندامت را در دنبال داشته است.

[10]

اهل آزمایش و شدت در مقابل دشمنان خویش، آنانکه که در صدد اصطلام[19] قتال هستند از راه

---

16. [...وقد بَلَغَني أنه فَشَا لك ولأهلِ بيتِك هيئةٌ في لباسك ومطعمك ومركَبك، ليس للمسلمين مثلُها، فإياك يا عبد الله أن تكونَ بمنزلة البهيمة مَرَّتْ بوادٍ خِصْب ، فلم يكن لها هَمٌّ إلا التسمُّن، وإنما حَتْفُها في السِّمَن، واعلم أن العامل إذا زاغ زاغت رعيتُه، وأشقى الناس من شَقِيَتْ به رعيتُه]. عزاه في كنز العمال /للدينوري ، و أخرجه ابن أبي شيبة في مصنفه بنحوه.

17. و از أبطال صحابه رضى الله عنهم.

18. أسنده عنه البَلاذُري في "فتوح البلدان". [من صبر فيها عرف ، و من نكل عنها تلف].

19. از بیخ برکندن چیزی /لغت نامه دهخدا. (مترجم).

رسیده اند، خویش را در سریه ها[20] جهت تقویت و حمایت از ضعیفان تقسیم کرده اند آنانیکه ترسو ها از شجاعت ایشان جرأت میگیرند و دشمن با شنیدن نام هایشان به لزره در میآیند و مأیوس میگردند؛ و آگاه باش که برادرانت را درین هنگام ذلت بار و متزلزل همراهی نکنی، و از چشمان جواسیس غافل نباشی، زیرا بسا گروهی کوچکی بر گروه بزرگ به إذن الله غالب میآید، و هرگز جنگیدن با دشمن را در صف نیرومندان انتخاب نکن درحالیکه ضعیفان را ترک کرده و تنها گذاشته باشی، و ایشان کسانی هستند که اکثر امید و رغبت بسوی الله دارند؛ همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید:«**وهل تُنْصَرون وتُرْزَقون إلا بضعفائكم**»[21]؛ ترجمه: و اگر ضعیفان در میان تا نباشد ، آیا فکر میکنید که شما روزی داده شوید ویا پیروزی؟! و بدان که الله عزوجل قومی را با ضعیف ترین های شان نصرت و پیروزی میدهد.

[11]

از حمل و پوشیدن تجهزات نظامی چون زره و کلاه أیمنی و اسحله قوی غافل نباش! و بدان که این همه از بزدلی نیست بلکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از شجاع ترین مردمان بود، اما زره میپوشید و کلاه آهنی بر سر میکرد، و خوبترین و قوی ترین اسحله را حمل میکرد؛ چون این تجهیزات و مهمات در وقت مناسب اش ضرباب دشمن را مهار میکند و بردشمن ضربات مهلکی وارد میسازد، همانطوریکه حبیب بن مهلب[22] میگوید: [هیچ فردی را در جنگ ندیده ام که مجهز به تجهیزات حربی باشد مگر دو شخصیکه نزد من بودند، و نه فردی را که در سرش کلاه زرهی داشته باشد جز اینکه نزد من یکدانه بود]؛ و زمانیکه این سخن را بعضی از اهل معرفت شنیدند گفتند: [راست گفته است! همانا سلاح و تجهیزات داری برتری های میباشد که جنگجویان از آن غافل میباشند؛ زیرا اکثر ایشانرا در میدان جنگ دیده ام که اسحله میخواهند و فریاد میکشند و میگویند: اسلحه بیآورید اسلحه

[20] . لشکر های کوچک جهادی.

[21] . البخاری.

[22] . حبیب بن المهلب بن أبي صفرة : یکی از شجاعان عرب و از اشراف ایشان در عصر مروانی بود ، الأعلام / للزّركلي.

بیآورید... نه اینکه بگویند: افراد بیشتری را بخواهید افراد بیشتری را بخواهید...][23].

——— [12] ———

بدانکه همانا امیر با حکمت و بادرایت عمل میکند، و برای برادران خود منابع و سهولت ها را مهیا گردانیده و در دسترس شان قرار میدهد تا آنکه ایشان خود را تقویت کرده و نیروی جسمی خویش را افزایش دهند، و در طول روز و در هنگام مقابله با دشمن کمبود خوراک و نوشاک را احساس نکنند؛ طوریکه در یکی از جبهات با یکی از قادات طالبان افغان همراه بودیم، و زمانیکه جیب های مجاهدین را میدیدیم آنها را پُر از کمکش (زبیب) میآفتیم.

——— [13] ———

بر امیر لازم است تا سران و امیران مطاع برای هر گروه و جماعتی تعین کند، تا او از وسائل ترانسپورتی و نقلیه و اسحله و منابع غذائی برادران خود نظارت و رسیدگی کند، خصوصاً قبل از آغاز هر معرکه ای، و آنانرا بدون آنکه تجهیزات شان کاملاً آماده نگردیده باشد اجازه دخول در جنگ و حرب را ندهد، و در هنگام حالات ضرورت و نیازمندی و مسافات طویل سفر دست خالی نگذارد، تا مبادا در مقابل دشمن و سختی های جهاد در راه الله عاجز آیند و در حالت شدت و نیازمندی قرار گیرند؛ خاصتاً هنگامیکه طولانی بودن جنگ توقع رود.

——— [14] ———

بهتر آنست که در یک موتر بیشتر از سه مجاهد سفر نکند، جز در حالاتیکه مصلحت راجح در کثرت تعداد آنان در یک موتر دیده شود، و همچنان لازم است تا با وسائل محفوظ و امن در میان

[23] . عیون الاخبار.

اعضای یک جماعت، و یک جماعت با جماعت دیگر، و همه جماعات با امیر در تماس و ارتباط باشند، و برایشان شِفر (رموز) در کلام وضع گردد، و همینطور شعاری برای قتال شان.[24].

[15]

بر امیر لازم است تا برای رعیت اش اسباب تقویت معنویات و تحریص و تحریض ایشان بر کامیابی و ظفر بر دشمن را مهیا گرداند، مانند؛ بیانات ایمانی، [و تقریر های جهادی و اناشید اسلامی...وغیره]، و همینطور اسباب پیروزی بر دشمن و تحقیر و شکست دشمن را برایشان حکایت نماید، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الأَمْرِ**}. ترجمه: (بیاد آور) آنگاه که الله عده ئی آنها را در خوابت به تو اندک نشان داد، و اگر زیاد نشان میداد، مسلماً سست می شدید، و درین کار اختلاف می کردید.

[16]

بر امیر لازم است تا مراکز مناسب حربی را برای لشکریانش مشخص و معین گرداند، و نباید دستور قتال را از موقعیت ها و مواضعی که بدون پوشش است بدون التفات به جوانب آن بدهد، و همچنان این مراکز نبآید خیلی دور از موقعیت لشکریان باشد تا لشکر نتواند به آسانی و در امنیت کامل به آنجا بازگشت نمایند.

[17]

نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**الحرب خَدْعَة**»[25]، یعنی:جنگ خدعه و فریب است، و المهلب میگوید: [بر توست ای امیر که در جنگ توطئه بریزی و دسیسه بسازی؛ زیرا اینکار تو را [از

---

24 . طوریکه شعار أبی بکر صدیق رضی الله عنه در یکی از سرایا- أمت أمت ....و یا – خیبر خیبر یا یهود جیش محمد سوف یعود....ویا – یا بلاد الوغي صبراً ....ویا- حم لا ينصرون ...وغیره. (مترجم).

25 . متفق علیه.

غرق شدن] آگاه میسازد و میزان مواجه شدن به خطر را کاهش میدهد][26]؛ و از خدعه های حرب اینها هستند:

أ. گماشتن جواسیس در میادین دشمن ب. جستجو اطلاعات و اخبار دشمن.

ج. توریه یا کنایه گوی ویا پخش اطلاعات نادرست قبل از انجام هرگونه اجراآت؛ همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم هرگاه اراده غزوه ای را مینمود توریه میکرد، یعنی: طوری نشان میداد که قصد دیگری دارد:

إذا ضاق صدر المرء عن سر نفسه فصدر الذي يستودعُ السرَّ أضيَقُ

و در مورد دشمنت در همه حالات هوشیار و آگاه باش زیرا:

أ. گاهی از نزدیک برمیخزد و آسیب میرساند. ب. و از دور تغیر و تحولی را در تو بوجود میآورد.

ج. ناگهان قبل از آنکه متوجه اش گردی حمله ور میشود د. و بعد از بازگشت تعقیب میکند.

[18]

از نشانه های زیرکی و مهارت امیر استفاده از فرصت های بدست آمده است؛ [زیرا فرصت به مانند ابر بسرعت در حرکت است، که بعداز یک چشم به هم زدن اثری از آن نمی بینی][27]، و در آغاز هر امری استوار و ثابت باش، و ثبات و استحکام را در اخیر کار اختیار نکن [زیرا سودی ندارد].

إذا هبَّت رياحک فاغتنمها فإن لكلِّ خافقة سكون

[26] . مهلب ابن أبي صفرة : ابن حبان وی را در ثقات خویش ذکر کرده و از جمله تابعین بشمار آورده است .... و قبل از حجاج بعنوان والی خراسان بمدت هفت سال گماشته شده بود ، و ابن صبیه میگوید: از شجاع ترین مردمان بود ، مراجع گردد: تهذیب التهذیب / از ابن حجر. [عليكم بالمكيدة في الحرب؛ فإنها أبلغ من النجدة].

[27] . این سخن به علی رضی الله عنه نسبت داده شده است ؛ العقد الفرید ، و بدائع السلک ، نهایة الأرب. [فإنها تمر مَرّ السحاب ، و لا تطلبوا أثراً بعد عين].

[19]

بر امیر لشکر جواز دارد تا بعضی از افرادی را که رغبت دارند به شهادت پیش نماید، آنانی را که بداند کشته شدن ایشان در جنگ سبب تحریض مسلمانان به قتال میگردد، و برعکس آن نیز صحیح است، یعنی: نگهداشتن آنان تعداد افرادی که با کشته شدن ایشان شوکت لشکر برادرانش از هم میپاشد، مانند؛ قائد و رهبر و عالم شناخته شده و برجسته ای، و بدان که قلب محکم ترین قلعه و حصار و دور ترین مکان در رسیدن برای دشمن و در برابر دشمن میباشد، پس آنرا صالح گردان و از آن محافظت و مراقبت کن.

[20]

اجازه نده تا دشمن در میان برادرانت با استفاده از سخنان و اقوال و اسباب مختلف اختلاف بوجود بیآورد و در میان صف ایشان تفرقه ایجاد نماید و یا ایشانرا به قتل برساند و یا به اسارت گیرد، حتی اگر این بکار بردن این اسباب و اقوال جائز هم باشند؛ زیرا وحدت کلمه حال که همانا قتال است مصلحت راجح میباشد و هیچ چیزی دیگری با آن برابر نیست[28].

[21]

از خون بحذر باش! و از ریختاندن آن بناحق اجتناب کن؛ و بدانکه هیچ چیزی سریعتر بر جلب ذلت و زوال نعمت از ریختاندن خون بناحق نیست، و آگاه باش و بپرهیز ازینکه لشکر و کار خود را با

[28]. شیخ رحمه جهاد را مصلحت راجح دانسته است که در شرائط حاضر حرف اش درست است ، اما باید بخاطر داشت هیچ مصلحتی راجح تر از توحید و کفر به طاغوت و اعلای کلمة الله بوده نمی تواند ، و جهاد نیز جهت تحقق همین امر فرض گردانیده شده است ، بناً در صورتیکه شرک و عدم کفر به طاغوت در هرجائی دیده شود انکار از آن واجب است هرچند باعث اختلاف نیز شود ، زیرا سکوت در کفر و شرک اعلای کلمه کفر است، و همچنان اساس اختلاف انبیاء با کفار اعلای کلمة الله ، و توحید و کفر به طاغوت بوده است، و امکان ندارد که مجاهد در یک جهت با طواغیت بجنگند و در مقابل در جهت دیگر با طاغوت سازش داشته باشد.(مترجم).

ریختاندن خون حرام قوی گردانی و رونق دهی؛ چون این عاجلی است که آجل[29] آن ضعف و وهن میباشد، و آنگاه هیچ عذری نه در نزد الله و نه هم نزد ما خواهی داشت، و به الله سوگند که هیچ خون معصوم از اهل سنت نیست که بدون دلیل و بغیر موجبات شرعی ریختانده شود و یا هدر دانسته شود، مگر اینکه از هر قطره آن پرسیده میشود و حساب گرفته میشود.

[22]

ترا آسانی کار ها و فعالیت های زیادت مغرور نگرداند و به تعجب نیآندازد؛ زیرا حتماً بعداز آن بر فراز و نشیب های زیادی مواجه خواهی گشت، پس آگاه باش و توجه خود را به روز و شب خود معطوف گردان، زیرا زیانبارترین چیزی که برای مردم خسارت وارد میکند همانا داشتن امیری است که تنها بفکر روز خود میباشد.

[23]

نیکو کار را بسبب نیکو کاری اش مکافات کن، و چون سریه ای کامیابی یافت گرامی شان دار، و شجاع ترین شانرا که در شجاعت در رأس مردم قرار گرفته است عزت کن، و بالمقابل: خطاء کار و فراموش کار ایشانرا سرزنش کن هرچند با الفاظ زشت نیز باشد؛ زیرا جواز دارد که امیر اشخاص سرکش از امرش را تأدیب کند، و اگر چنین نکردی؛ نیکوکار سستی پیشه میکند و فراموش کار و خطاء کار جرأت میآبد، و امور به فساد کشانیده میشود و اعمال ضایع میگردد.

اما بخاطر داشته باش که نیکی ات با نیکو کار در ملاء عام باشد، و سرزنش ات بر خطاء کار در خفاء، خاصتاً اگر این اشخاص خطاء کار و متساهل از میان اهل فضیلت باشند، اما أهل فساد را در مقابل مردم عتاب و سرزنش کن، و شریعت نیز به همین آمده است.

و برحذر باش! از زیاده روی در سرزنش و ندامت در عفو، و از شدت و غلظت شدیداً اجتناب کن، زیرا شریعت عقاب و سرزنش را جهت اصلاح دستور داده است نه برای اشباع غضب و قهر،

[29] . دور و آینده.

و از گفتن کلمات و سخنان که رجوع از آن ممکن نیست در هنگام غضب خود داری کن، زیرا بسا گفتن کلمه ای «بگذار مرا» برای مخاطب خیلی گران میآید.

و ای امیر! هرگز از سخنان بیهوده و باطل در عقوبت و سرزنش کسی استعمال نکن، و در سرزنش و تأدیب بیشتر از آن حدودی که الله بر تو مقرر کرده است، با پیروی از هوا و هوس – تجاوز نکن؛ زیرا [ظلم ظلمات (تاریکی های) روز قیامت است].

و بر توست ای برادر که در جمیع امورت آسان و نرم گیری و رفق اختیار کنی، حتی در عقوبت و جزاء ، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ**}. ترجمه: و اگر تند خو و سخت دل بودی ، (اصحابت) قطعاً از اطراف تو پراکنده میشدند.

و نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ الرِّفْقِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ الْخَيْرِ الدُنيا وَالأخرة وَمَنْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنْ الرِّفْقِ فَقَدْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنْ الْخَيْرِ الدُنيا وَالأخرة**».[30].

ترجمه: برای کسیکه حصه اش از نرمی و رفق داده شده باشد همانا حصه او از خیر و نیکی در دنیا و آخرت داده شده است و کسیکه از حصه خود در نرمی و رفق محروم گردانیده شده باشد همانا از حصه خود در خیر و نیکی خود در دنیا و آخرت محروم شده است.

و میفرماید:«**إن هذا الدين مَتين؛ فأوغلوا فيه برفق**»[31]. ترجمه: همانا این دین استوار و ثابت است، پس در آن در نرمی و رفق از حد بگذرید، و غلو کنید.

[24]

بدان که برادرانت صرفاً بخاطر الله از تو میشنوند و اطاعت میکنند؛ پس این التزام شان شرعی و اخلاقی بیشتر است نسبت به آنکه اینکار را از ترس و هراس تو انجام داده باشند، پس مجازات نکن

---

30. رواه أحمد بإسناد صحيح، أخرجه البغوي في الشرح السنة.(مترجم).

31. رواه أحمد بإسناد حسن.(مترجم).

جز کسی را که گمان دارد دارای دینی است که او را قبول کرده است[32]، اما آن یکی که گمان دارد دین اش او را باز نمی دارد پس آگاه باش و بپذهیز از اینکه او را مجازات کنی بلکه بر توست که با او از در لطف و رفق پیش آئی و قلب او را تألیف [مایل به اسلام و ایمان] گردانی، زیرا مستحق ترین و شایسته ترین مردمان در عفو توانا ترین ایشان در مجازات است، و کم عقل ترین مردمان کسی است که بالای دیگران غیر خویش ظلم میکند، پس عدالت و انصاف را با خود و مردم و خانواده ات و آنانیرا که از میان برادرانت دوست میداری و از جمله رعایا تو هستند در پیش گیر، و اگر چنین نکردی بدان که ظلم کرده ای، و کسیکه بر بالای بنده گان الله ظلم کند الله دشمن او است، و کسیکه دشمن الله باشد با الله در جنگ با او قرار دارد تا آنکه توبه کند و آن صفت را از خود دور گرداند، و اجتناب کن از مواجه شدن با دعائی [بد] مظلوم، زیرا بین او و [قبولی دعاء از طرف] الله هیچگونه حجابی نیست و دروازه های آسمان بروی این دعاء باز است، و برای خویش در روز [و شب] ساعتی را اختیار کن و در آن فکر کن که آیا بر کسی ظلم کرده ای، و یا اینکه آیا کسی است که در آنجا مظلوم واقع شده باشد و نیاز به یاری تو داشته باشد؟ و بدان هر آنکسی که میخواهد در غضب الله بر بالای خویش عجله کند پس ظلم اختیار نماید!!

[25]

با برادرانت و مردم به نیکی و احسان رفتار کن و بر قلب هایشان پیروزی حاصل کن؛ زیرا همانا دوام محبت با احسان و زوال آن با خود خواهی و شدت است، و عامه ای مردم را دوست بدار و محبت ایشان را در خود خالص بگردان تا آنکه ایشان نیز ترا دوست داشته باشند، و ایشان را گرامی بدار؛ زیرا دوست داشتن و گرامی داشتن از خصلت های برجسته تواضع و تقوا میباشد.

---

32. یعنی: سخت پابند به دین خویش است.

و عمر بن عبدالعزیز تا جائیکه در توان داشت با مردم با نرمی و رفق رفتار میکرد، طوریکه هرگاه میخواست امری از اوامر الله را انجام بدهد و گمان میکرد که مردم از تطبیق آن کراهیت نشان خواهند داد، منتظر میماند تا آنکه کسی نزدش بیآید که مردم او را دوست میداند، پس آن حکم را توسط او ابلاغ میکرد، و همچنان از وی روایت است که میگوید: [همانا الله خمر را در قرآن دوبار ذم کرده است و سه بار تحریم، و من میترسم که برای مردم سخنی را برحق برسانم و ایشان آنرا ترک کنند و فتنه ای برپا شود][33].

[26]

قدر مردم را بدان، و صنوف ایشانرا تشخیص بده، و اشخاص ذیل را برتری ده و مقدم بدار:

أ. اهل علم و فضلیت را؛ که نصوص در مورد فضائل ایشان به کثرت موجود است.

ب. بزرگان و کهن سالان را زیرا؛ **(لیس منا من لم یجل کبیرنا، و یرحم صغیرنا و یعرف لعالمنا حقه)** [34]. ترجمه: از ما نیست کسیکه بزرگ ما را احترام نمی کند، و کوچک ما را ترحم و نوازش نمی نماید، و حق علماء ما را نمی شناسد.[35].

ت. آل بیت خانواده های با شرف و بزرگ را؛ و در رأس آن آل بیت نبی صلی الله علیه وسلم.

[27]

بر ورثه شهداء و اسیران رسیده گی کن و همچنان کسانیکه غیر از ایشان در عین وضعیت قرار دارند، و به عیادت مریضان و زخمیان برو، و در میان برادرانت به مانند خدمت گار ایشان باش، زیرا تو یکی

---

[33] . العِقد الفرید.

[34] . رواه الترمذي ، و أحمد و الحاکم بإسناد الصحیح.

[35] . و در روایت دیگر میاید که نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**أمرني جبریل أن أقدم الأکابر**»./السلسلة الصحیحة: 1555

ترجمه: جبریل مرا دستور داد تا بزرگان را مقدم دارم. (مترجم).

از همین افراد هستی با تفاوت اینکه بار مسئولیت تو سنگین تر و بیشتر و نزد الله مسئول تر و پاسخگوتر میباشی، پس برای فردای آخرت خود عمل کن.

[28]

نیکوترین و با اعتماد ترین شخص را برای خویش در امر نماینده گی قبائل و جماعات مسلح اختیار کن، و همینطور اشخاص مسئول را در امر مراقبت و نظارت و تفتیش امور مردم؛ زیرا ایشان صورت و چهره دولت نزد مردم هستند، پس اگر نیک انجام دادند دولت و [تو] نیک نام میگردی، و اگر بد و اشتباه انجام دادند دولت [و تو] بدنام میگردی، و اگر دریک جمله حرف خویش را بگویم: [أرسل حکیما و لا توصِه]؛ شخص باحکمت و بادرایتی را بفرست و به هیچ امری توصیه اش نکن.

[29]

آگاه باش ای امیر و بپرهیز از عصبیت جاهلیت! زیرا هیچ بناءای که تهداب آن مستحکم گذاشته شده باشد جز تعصب آنرا ویران نمیکند، و تمام ذکاوت و هوشیاری و تکتیک خویش را درین راستا بکار گیر زیرا داشتن قوت به تنهائی برای جلوگیری ازینکار کافی نیست؛ همانطوریکه اهل عراق در برابر عبدالملک بن مروان قیام کرده بودند و با ایشان ابن الأشعث و سائر بزرگان تابعین چون سعید بن جبیر وغیره حضور داشتند، اما حجاج بن یوسف ایشانرا در «دَیر الجماجم»[36] با حیله و تکتیک شکست داد در حالیکه قوت حجاج کمتر از ایشان بود؛ و بدان که از حکمت و سیاست آنست که بدون تأخیر اقدام به گرفتن تدابیر و دستگیری چنین اشخاص خاصتاً سران ایشان نمائی.

[30]

[36] دیر الجماجم منطقه در حوالی کوفی در حدود 7 هفت فرسخی میباشد.

بر توست که زیاد بکوشی و شدیداً به امور توجه داشته باشی، و از عاجزی برحذر باش، زیرا– همانا الله – مَرِّکَب را بدآنسبب ذلیل گردانیده است؛ و اگر گاهی سهو و لغزشی از تو سر میزند پس کوشش کن آنرا تجربه قرار داده و در آینده آنرا درست انجام بدهی، و از این تجربه ات بیآموز زیرا هیچ عملی نیست که الله آنرا برتو بساده گی بگشاید مگر اینکه کراراً آنرا به تجربه گرفته باشی.

برادرتان

أبو حمزه المهاجر

1/رمضان/1428 هجرت

رسالة دوم

وصايا
برای سپاهیان.....

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه من والاه اما بعد:
ای برادر مجاهد و محبوبم! این بعضی نصیحت هایست که آنرا برای تو از زبان بعضی از رجال و متون کتب جمع آوری کرده ام، بدون آنکه دعوی حکمت و فقاهت در آن داشته باشم، از الله مسألت دارم تا آنرا وسیله انتفاع برای خودم و پند برای شما قرار دهد – و الله من وراء القصد.

——— [1] ———

داشتن اخلاص به الله عزوجل در قول و عمل؛ زیرا الله عزوجل هیچ عملی را قبول نمی کند تا آنکه خالص برای او انجام نگیرد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«**إنما الأعمال بالنيات، وإنما لكل امرئ ما نوى**».[37]. ترجمه: همانا پاداش هر عملی به نیت آن بستگی دارد ، و همینطور ثواب عمل هر شخصی بستگی به قصد و نیت وی دارد.
و میفرماید: «**وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا مِنْ كَلْمٍ يُكْلَمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَيْئَتِهِ حِينَ كُلِمَ؛ لَوْنُهُ لَوْنُ دَمٍ وَرِيحُهُ مِسْكٌ**»[38]. ترجمه: سوگند به ذاتی که حیات و مرگ محمد بدست اوست، هیچ کسی نیست که در راه الله زخمی برداشته باشد مگر اینکه در روز قیامت آن زخم به همان شکل در وجود آنشخص پدیدار میگردد رنگ آن رنگ خون است و بوی آن بوی مشک.

---

[37]. متفق علیه.
[38]. مسلم.

و بدانکه در انجام این کار کامیابی و پیروزی تو در دنیا و آخرت وابسته است؛ همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**تَكَفَّلَ اللَّهُ لِمَنْ جَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ وَتَصْدِيقُ كَلِمَاتِهِ بِأَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يُرْجِعَهُ إِلَى مَسْكَنِهِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ مَعَ مَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ**»[39].

ترجمه: الله کفالت کرده است کسی را که در راه او جهاد و قتال میکند، و جز برای جهاد در راه الله و تصدیق کلمات او (قرآن و سنت) از خانه [و وطن] خویش خارج نمیشود ، وارد جنت نماید، اگر شهید نشد او را با اجر و پاداش و غنائم به همان منزلی که برای جهاد از آن خارج شده است برگرداند.

و از جهاد تان جز بلند بودن کلمه الله قصدی نداشته باشید؛ همانطوریکه از أبي موسى روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد شخصیکه بخاطر آنکه شجاع گفته شود، و یا بخاطر تعصب که نسبت به قوم و وطن خویش دارد، و یا بخاطر ریاء و خودنمائی میجنگد پرسیده شد، که کدام یکی در راه الله جنگیده است؟ نبی صلی الله علیه وسلم گفت: «**مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللهِ**»[40]. ترجمه: هرکسیکه جنگید بخاطر تا آنکه کلمه الله بلند و پیروز باشد همان کس در راه الله جنگیده است.

[2]

در مورد همه ای آنچیز های که بر تو در هنگام ادای فریضه جهاد لازم است از اهل علم بپرس؛ زیرا اجماع برین امر منعقد شده است که علم قبل از عمل ضرور میباشد، طوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**طَلَبُ العِلْمِ فَرِيضةٌ على كلّ مُسلِم** »[41]. ترجمه: طلب علم بر هر مسلمان فرض است.

---

[39]. متفق عليه.

[40]. متفق عليه.

[41]. ضعفه بعضهم وذكر الحافظ المزّي أنه يبلغ رتبة الحسن، ويرى السيوطي أنه يبلغ رتبة الصحيح لشواهده. راجع "المقاصد الحسنة"، "الدرر المنتثرة". أخرجه آلباني في تخريج مشكاة 218 وقال حديث (حسن) ، و قال ايضاً: هذا حديث متنه مشهور و إسناده ضعيف و قد روي من أوجه كلها ضعيف، و صححه في الترغيب (72)، عن أنس، دون لفظ: وواضع العلم.....ضعيف الترغيب (48)./لسلسلة الأحاديث الضعيفة (1455).
اما هرچندکه این حدیث بر ضعف حمل گردد دانستن واجبات کلی توحید و جهاد برای مجاهد در راه الله لازم است همانطوریکه الله متعال میفرماید:
{**فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**}.محمد/19. ترجمه: بدان که قطعاً هیچ معبودی بر حق جز الله وجود ندارد.

پس هیچگاه کسی را نکش و مالی را غنیمت نگیر تا آنکه ندانی بخاطر چه این همه را انجام میدهی؟ زیرا کوچکترین جهالت درین موارد ترا به فتنه می اندازد؛ و ازینکه از علم و دینداری خویش [از روی جهالت و تعصب و خود خواهی] برخود تعجب کنی و اعتماد کامل داشته باشی شدیداً بپرهیز، زیرا اینکار ترا به هلاکت میکشاند.

[3]

و آگاه باش و بپرهیز ازینکه در برابر دوستان و خویشاوندان خویش که کفر را نسبت به اسلام دوست میدارند، از نصرت دین الله کوتاه بیائی، و ما اینرا میدانیم که این کار بر بالای تو سخت تمام میشود اما در آن هنگام این قول الله متعال را بخاطرت بیآر که میفرماید:{**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ**}. ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید که با آنها طرح دوستی میریزید ،در حالیکه آنان به آنچه از سوی حق برای شما آمده است کافر گردیده اند.

ومیفرماید:{**قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يأْتِىَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ**}. ترجمه: بگو! اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که فراچنگش آورده اید، و تجارت که از بی بازاری و بی رونقی آن میترسید، و منازلی که مورد علاقه ای شما است، اینها در نظر تان از الله و رسولش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که الله کار خود را میکند (و عذاب خویش را فرو میفرستد) الله کسان نافرمانبردار را (راه سعادت) هدایت نمی نماید.

و در حدیث صحیح که از نبی صلی الله علیه وسلم روایت شده میفرماید:«**من مات و هو یعلم أنه لا إله إلا الله دخل الجنة**».**مسلم**.
ترجمه: هر کسی که بمیرد و این را بداند که هیچ إله جز الله نیست داخل جنت میگردد؛ و مفهوم این حدیث طوری است که هر کسی بمیرد و به توحید علم نداشته باشد، داخل جنت نمی گردد، و این آیت و حدیث عام بوده در تمام امور شرعی صدق دارد، طوریکه عمل از شخص قبول نمی گردد تا زمانیکه آنرا صحیح انجام نداده باشد و صحت عمل شخص بدون داشتن علم صحیح شرعی در مورد آن ناممکن میباشد، پس حصول علم ضروری در توحید و جهاد قبل از پرداختن به آن لازم و واجب میباشد. (مترجم).

زیرا حق الله واجبی است اولی و نصرت دین اش امریست الزامی بر هر مسلمان.

[4]

و به الله سوگند که ترا و کسیکه ترا نجات میدهد دوست دارم؛ پس این نصحیت مهم مرا درین مسئله مهم «تکفیر» بشنو، همانا نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید:«**مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْكَنَهُ اللَّهُ رَدْغَةَ الْخَبَالِ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ**»[42]. ترجمه: کسیکه بر مؤمن چیزی را منسوب بگرداند در حالیکه در وی چنین چیزی نباشد الله وی را در زردآب اهل جنهم میاندازد، تا آنکه از قول که گفته است بیرون آید [یعنی توبه کند و یا مجازات سخنی را که گفته است ببیند].

پس بدان ای برادر! انتساب حکم کفر بر کسی حق الله تعالی است[43]، و جواز ندارد تا این حکم را بدون دلائل شرعی بر کسی حمل کنی، و بدان که برای این حکم شروط و موانعی است، پس کسی را قبل از آنکه شروط تکفیر در موردش تحقق و موانع آن انتفاء نیآبد تکفیر نکن، هرچند از شخص قول کفری صادر گردد و عمل کفری را انجام دهد زیرا امکان دارد در حق وی مانع از موانع تکفیر موجود باشد؛ و آنکه اسلام اش به یقین به اثبات برسد پس جز با یقین از آن خارج نمیگردد؛ و از داشتن ظن و گمان بسیار بپرهیز، و در هنگام اختلاف در مورد اعمال شرعی از اقامه دلایل علمی غافل مباش.

[5]

وفاء به عهد و أمان دو امر بزرگ و مهم شرعی است، و آگاه باش ازینکه شیطان امور را برایت زینت بدهد و ترا بفریبد و تو عهدت و پیمانت را بشکنی؛ زیرا همانا الله متعال میفرماید:{**فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا**

---

42. صحیح سنن أبي داود.

43- ابن تيمية در رد البكري ميگويد: 492/2: [هرکسیکه بر تو دروغ بست و یا با زوجه ات فعل زنا را انجام داد ، بر تو نیست که بر او دروغ ببندی و یا با زوجه اش زنا کنی؛ زیرا دروغ و زنی حق الله بوده و حرام الله میباشد، و همین طور تکفیر حق الله متعال است پس هیچ کسی را تکفیر نکن تا آنکه الله و رسولش صلی الله علیه وسلم او را تکفیر نکرده باشد]، و همچنان در مجموع الفتاوی میگوید: 125/3: ["مَسَائِلَ التَّكْفِيرِ وَالتَّفْسِيقِ " از مسائل "أَسْمَاءِ و أَحْكَامِ است"].

يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ}، ترجمه: پس هرکس که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خویش پیمان شکسته است.

و رسول الله صلى الله عليه وسلم ميفرمايد: «**الْمُسْلِمُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ، وَيُجِيرُ عَلَيْهِمْ أَقْصَاهُمْ، وَهُمْ يَدٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ، يَرُدُّ مُشِدُّهُمْ عَلَى مُضْعِفِهِمْ، وَمُتَسَرِّيهم عَلَى قَاعِدِهِمْ**»[44]. ترجمه: خونهای مسلمانان (در قصاص و دیت) برابر است، [و در آن شریف بر وضیع و غنی بر فقیر و عالم بر جاهل و زن بر مرد فضیلتی نیست] ، و در به سر رسانیدن عهد و ذمه ادنای ایشان نیز باید بکوشند (یعنی: اگر یک مسلمان عادی یا یک زن مسلمان کافری را امان دهد یا با وی عهد بندد مسلمانان را مناسب نیست که عهد وی را نقض کنند)، و دور ترین ایشان به آنها غنیمت را میرساند و میدهد و ایشان یکدست و یکپارچه اند بر ضد غیر ایشان (از کافران)، قوی ایشان سهم غنایم خود را به ضعیف شان تقسیم میکند، و آنکه در سریه اشتراک کرده است با آنکه در سریه اشتراک نکرده است.[45].

و بدان که ما اجازه نمیدهیم که فردی از لشکر [خود سرانه] با کسی عهدی ببندد و یا به کسی أمان بدهد، در حالیکه این امر مربوط به امیر المؤمنین یا کسی که این مسئولیت به عهده وی سپرده شده است میباشد، زیرا – غالباً– نظر وی شامل و همه جانبه در مصالح امور دولت و امت است.

——— [6] ———

کوشش در جهت اطاعت[46] و دوری از گناهان و بدی ها نفس و شیطان؛ و عمر بن خطاب، سعد بن أبي وقاص را چنین توصیه کرده بود: [...همانا من ترا و لشکریانت را به اختیار تقوی از الله توصیه میکنم، و تو و آنانی را که با تو هستند توصیه میکنم تا شدیداً از انجام گناهان مواظبت و

44. أخرجه أبو داود وغيره والحديث حسن.

45. یرد مشدهم علی مضعفهم : المشد: کسیکه دارای اسپ و سورای قوی و تیز تک باشد ، و المضعف: کسیکه سواری اش ضعیف است ، و مراد از آن اینست : که آنکسی که در جنگ صاحب قوت و سواری خوب بوده و غنایم بسیاری را جمع آوری کرده و صاحب شده است سهم خود از غنایم را با شخصی که سواری اش ضعیف بوده و نتوانسته بهتر بجنگد و غنایم بیشتر را بدست آورد تقسیم میکند./النهاية.(مترجم)

46. از الله و رسول او صلی الله علیه وسلم و از امیر.

مراقب خویش باشند، حتی بیشتر از مواظبت خویش در برابر دشمن؛ زیرا گناهان سپاهیان خطرناک تر و ترسناک تر و هلاک کننده تر از دشمن است، و در امور برای خویش از الله طلب کمک کنید، همانطوریکه از او بخاطر پیروزی بر دشمن طلب یاری و کمک میکنید][47].

——— [7] ———

ای سپاهیان الله مواظب نماز های خویش باشد! زیرا تنها چیزی است که قلب را قوت و اعضاء را نشاط میبخشد، و از فحشاء و منکرات باز میدارد، و نماز محل مناجات با رب و طلب نصرت از اوست، و هیچ کسی جز الله بر بنده نزدیک نیست آنگاهی که در سجده ای رب اش قرار دارد، و ستون دین و شعار مسلمین نماز است، پس هیچگاه آنرا بتأخیر نیاندازید مگر در صورت داشتن عذر شرعی مقبول، و الله صداقت و عدم صداقت ترا را درین زمینه خوب میداند.

——— [8] ———

از تعجب و در شگفت شدن بالای خود و خود ستایشی بپرهیز؛ خصوصاً بعداز کامیابی و پیروزی بر دشمن، زیرا این هنگام بهترین فُرصت برای شیطان است، تا آنکه ثمره جهاد تانرا را ضایع گرداند و طول مدت کوشش هایتان را در دنیا و آخرت طویل گرداند.

——— [9] ———

دو چیز است که عاقبت آن ذلت و رسوائی و زیان است:

---

47. العقد الفريد ، بدائع السلک ، و النهاية الأرب.؛ [....فإني آمرُك ومَن معك من الأجناد بتقوى الله، وآمرُك ومَن معك أن تكونوا أشدَّ احتراسًا من المعاصي منكم من عدوكم؛ فإن ذنوب الجيش أخوفُ عليهم من عدوهم، واسألوا الله العونَ على أنفسكم كما تسألوه النصرَ على عدوكم].

1. **بغاوت**: طوریکه الله متعال میفرماید: {**يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ**}؛ ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید! همان بغاوت و سرکشی شما تنها بزیان خودتان است؛ و بدان که همگام با بغاوت پیروزی هرگز نمیآید.
2. **مکر و فریب**: طوریکه الله متعال میفرماید: {**وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ**}؛ ترجمه: و نیرنگ های بد جز دامنگیر صاحبانشان نمیگردد؛ و بدان که دوستی هرگز با مکر و خیانت یکجا بوده نمیتواند.

[10]

نفس ات را از شهوات دور نگهدار، و هرچیزی را که اشتهاء کردی خواستار آن نشو زیرا :{**إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ**}، نفس همواره به بدی دستور میدهد؛ و برتوست که روزه دار باشی این چیزیست که ترا باعفت نگهمیدارد، و در یک جمله کوتاه: خواهشات و هواء و هوس خود را در کنترول خود در بیآور، و بر نفس ات سخت گیر در آن اموریکه انجام آن برتو آن حلال نیست، زیرا سخت گرفتن با نفس انصاف کردن با اوست هرچند آنرا دوست داشته باشی ویا زشت بداری.

[11]

در کاری که بتو سپرده میشود با الله صادق باش، و آنچه در توانت نیست خود را مکلف به انجام آن نگردان، زیرا آنگاه نزد الله مسئول نخواهی بود؛ بلکه در همه کارهایت صداقت را جاری بدار، زیرا همانا صداقت ترا نجات و دروغ همه چیزیت را برباد میدهد، و «**كَفى بالمرْءِ إثماً أنْ يُحَدِّث بكُلّ ما سَمَع**»[48]. برای شخص این گناه کفایت میکند که آنچه را شنیده است (بدون دانستن صدق و کذب آن) برای دیگران آنرا حکایت کند.[49].

48. مسلم در مقدمه صحیح اش ، و صححه ابن حجر في الفتح. صحیح الجامع (4480).

49. یعنی اگر از دروغ نگوید و صرفاً آنچیز های راکه از مردم شنیده است به دیگران بگوید همین وی را در دروغ گفتن کفایت میکند زیرا همه آنچیزی های راکه شنیده است امکان ندارد که درست باشد بلکه بعضی از آنها دروغ نیز است.(مترجم).

[12]

با خواهران در همه امور ملائم و متناسب رفتار کن، این کار ترا به الله نزدیک و از گناهان دور میسازد، و همیشه در برابر ایشان تبسم در لب داشته باش، و از آن یکی از ایشان که بزرگتر از توست بشنو، و زمانیکه دیدی آنها کار میکنند با ایشان همکاری کن، و بدان که نشستن تو با آنها قلب هایشان را پاک میگرداند و گرمی میدهد، و عزت برادرانت همانها هستند، و بدان که از عدالت نیست اینکه در سرزنش ایشان عجله کنی.

[13]

در جستجوی عیوب مردم خاصتاً امیر و برادرانت نباش، و عیب هایشان را تا جائی که در توان داری بپوشان، تا آنکه الله عیب های تو را بپوشاند، و در جستجوی کشف امور که از تو پنهان نگهداشته میشود یا پنهان است نباش، زیرا نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا**».[50]. ترجمه: خود را از بدگمانی دور دارید، بدرستیکه گمان بد دروغ ترین سخن ها است، و تجسس نکنید و تحسس[51] نکنید، و بدخواهی و حسد نکنید، و دشمنی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید و همه ای تان بنده گان الله و برادران یکدیگر باشید.

و از امام مالک رحمه الله این قول روایت است: [در مدینه اقوامی را دریافتم که هیچ عیبی دریشان نبود اما در مورد عیوب مردم سخن میگفتند پس مردم نیز ازیشان عیبجوئی میکردند، و اقوامی را

50. متفق علیه.

51. کوشش کردن در جهت استماع و بدست آوردن خبر و حال کسی.

دریافتم که عیبهای در ایشان بود اما از عیبجوئی مردم خود داری میکردند و مردم نیز عیب هایشان را میپوشانیدند][52].

[14]

ای سپاهیان الله ما و شما در صدد اشراف اقامه و حمایت دولت اسلامی در بلاد رافدین هستیم، اما بدانید که این دولت «دولت هارون الرشید» نیست، تا آنکه ابر را در آسمان مخاطب قرار بدهیم[53]، بلکه این دولت مستضعفان است؛ از دشمن خویش در هراس هستیم و ایشانرا می هراسانیم، در همان وضعیتی که صحابه در دولت نخست اسلامی در مدینه قرار داشتند، سلاح خویش را از ترس دشمن به زمین نمی گذاشتند، و گاهی فردی از یهودیان میآمد و در اطراف خانه های ایشان که زنان و اطفال در آن بود نفوذ میکرد و کسی را جز زنان و اطفال برای کشتن نمی یافت، اما باوجود آن ایشان با مردم به نرمی رفتار میکردند، و آنانرا از حلاوت و عزت اسلام آگاه میکردانیدند، و برحذر باش ازینکه ترس از دشمن ترا از اسلام و احکام آن باز دارد، هر چند آنجا بر اهل و خانواده ات مصائب را بیآورند و ایشانرا در درد و اندوه قرار دهند، و بدان که درین کار حلاوت و پاکی است.
و اگر این حرف خویش را دریک جمله مختصر بگویم: برای مردم دین و احکام آنرا و دولت اسلام را دوست بدار؛ زیرا بهترین و نیکوترین بنده گان الله کسانی هستند که بنده گان الله را بسوی الله و الله را بسوی بنده گانش دوست دارد، و ایشان کسانی هستند که بر زمین راه میروند و جز خیر چیزی نمیخواهند[54].

[15]

52 . الباجي آنرا در شرح اش بر موطأ ، و أبو الشيخ ابن حيان در – النكت و النوادر – و جرجاني در تاريخ اش از غير مالک روايت کرده است.
53 . از هارون الرشيد خليفه عباسی روايت است که روزی وی رو به آسمان خوابيده بود ، ابری از بالايش گذشت ، مخاطب به ابر گفت: ای ابر برو و هر کجائی که ميباری ببار خراجت بر من ميآيد (مترجم).
54 . اقتباس از حديث مرفوع روايت / شعب الايمان – از بيهقي.

صاحب بن عباد[55] میگوید: [ترس از سلطان فرضی است مؤکد، و حتمی بر بالای کسی که حضور دارد و گوش فرا میدهد][56]؛ پس خود را از بزرگی و شکوه مندی امیر المؤمنین آگاه گردان؛ زیرا (گرامی داشتن پیر مرد مسلمانان ..... و سلطان عادل همانا گرامی داشتن الله است)[57]، و اطاعت از او در غیر معصیت واجب است عم ازینکه ظالم باشد و یا عادل، و ازینکه بر وی طعن وارد کنی بپرهیز، زیرا اینکار از بزرکترین گناهان کبیره ی است که بنده را به هلاکت میکشاند؛ و از جمله وصیت های أکثم بن صَيفِيّ[58] اینست که میگوید: [مخالفت با امیران خویش را کم گردانید ..... زیرا هیچ جماعتی جماعت بوده نمی تواند تا زمانیکه در میان آنها اختلاف موجود باشد][59].

[16]

با امیر خود اخلاق نیک داشته باش و در مقابل رأی و تدبیرش کوتاه بیآ، تا اختلاف پیدا نشود و صف متفرق نگردد، جز زمانیکه موضوع نظری و یا مسئله اجتهادی نباشد و در شریعت مجال بحث و گفتگو بالای آن موجود باشد و در انجام آن معصیت الله و رسول او صلی الله علیه وسلم متصور نباشد؛ و پیوسته در طلب اجر و پاداش از الله باش و بدانکه اجر و پاداش بزرگی در سمع و طاعت از امیر است تا زمانیکه در مخالفت با الله و رسول او صلی الله علیه وسلم قرار نداشته باشد.

از امیر خود امری را که در آن مصحلت شرعی مانند؛ جلوگیری از فساد جماعت مسلمانان است پنهان نکن، زیرا خبر دادن از خیرخواهی و عکس آن از خیانت و فریب کاری است، نه اینکه اینکار

---

55. ذهبي در سير أعلام النبلاء میگوید: وزیر بزرگ علامه صاحب.....أدیب و کاتب .....و فصیح در کلام ، و در میزان اعتدال میگوید: أدیب چیره دست ، شیعی معتزلی....و شعرش واقعاً زیبا بود ، و به تشبهات اش ضرب المثل میگفت ؛ از همین جهت أهل ادب سخنانش را علی رغم انحراف اش در عقیده به استشهاد میآوردند.

56. [تَهَيُّبُ السلطانِ فرضٌ أَكِيْد، وحَتْمٌ على من ألقى السمع وهو شهيد]؛ – به نقل از بدائع السلک في طبائع الملک.

57. سنن أبي داود (حديث حسن صحيح)، صحيح سنن أبی داود (4843). (مترجم)

58. حکیم مشهور عرب ، در اسلام اش اختلاف است ، و زیرا نبي صلی الله علیه وسلم را باوجودی که در همان عصر زندگی میکرد ملاقات نکرده است ، و ابن عبدالبر نیز به این قائل است که وی اسلام نیآورده است.

59. [أَقِلُّوا الخلافَ على أمرائكم ... فإنه لا جماعةَ لمن اختُلِفَ عليه]، – أبو الشيخ در «أمثال الحديث » ، و أبن قتيبة در «عيون الأخبار» آنرا تخریج کرده اند.

از غیبت و سخنچینی حرام در شریعت باشد، به شرط آنکه آنچه را میرسانی نزدت به یقین ثابت شده باشد و به گمان خود در صدق و صحت آن غالب باشی، همانطوریکه نووي میگوید: [اگر آنچه را که بدان نیاز داشتی ترک گفتی (و به تجسس و سخنچینی پرداختی) در آن ممنوعیتی نیست؛ همانطوریکه هرگاه ...... واقع گردد، امام و یا کسیکه صاحب ولایت است باید خبر داده شود، بدلیل اینکه انسان همیشه چنین انجام میدهد[60] و در تلاش اطلاع از آن چیز های است که برایش مفسده بار میآورد، و برای صاحب ولایت لازم است تا چنین امور را کشف و ازبین ببرد، پس بصورت کل (تجسس و سخنچنی) و همه ای امور مشابه به آن حرام نیست، تا جائیکه بعضی آنها نظر به سرزمین ها و مکانها واجب، و بعضی مستحب میباشد- والله أعلم.[61].

و برحذر باش ازینکه خائن باشی و یا برای شخص خائنی امین، همانطوریکه گفته شده است: [برای شخص کفایت میکند که خیانت کار باشد و یا اینکه با خیانت کار امین][62]، و الله تعالی میفرماید: {**وَإِذَا جَاءهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُواْ بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلاَ فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلاَّ قَلِيلاً**}.
ترجمه: و هنگامیکه خبری از ایمنی و پیروزی یا ترس و شکست به آنها برسد آنرا شایع می سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و صاحبان امر شان باز می گرداندند، از حقیقت امر آگاه می شدند، و اگر فضل و رحمت الله بر شما نبود، جز اندکی (همگی) از شیطان پیروی میکردید.

[17]

در مقابل امیر خود صبر اختیار کن هرچند برتو ظلم کند ؛ زیرا اینکار از واجبات دین است ، همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: « **مَن رأى من أميرِه شيئاً يَكْرَهُه فلْيَصْبِرْ عليه فَإِنَّهُ**

---

60. یعنی تجسس و سخن چینی.

61. شرح نووی بر مسلم 113/2 و الفتح لإبن حجر 473/10. أنظر لتفصيل تجسس و النميمة مشروع «أحكام السماع و الأستماع في اشريعة الإسلامية»/ لمحمد معين الدين بصري. (مترجم).

62. رواه أحمد في الزهد ، و البيهقي في الشعب عن مالک بن دينار.

مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ – أو فَارَقَ الجَمَاعَةُ– شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً »[63]. ترجمه: هرگاه یکی ازشما از امیر خویش چیزی دید که آنرا زشت میشمارد پس بر آن صبر اختیار کند، زیرا اگر بر امیر یا سلطان [مسلمان] قیام کند و از جماعت به اندازه یک وجب دور شود و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.

و این چیزیست که عبدالله بن عمر برای عبدالله بن مطیع بن الأسود هنگامیکه ابن الأسود دست از اطاعت امیر وقت «یزید بن معاویه» کشیده بود گفت؛ هر چند او ظلم بسیاری را بر بالای بنده گان الله انجام میداد، طوریکه در صحیح مسلم آمده است: «جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطِيعٍ حِينَ كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحَرَّةِ مَا كَانَ زَمَنَ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ فَقَالَ: اطْرَحُوا لِأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ وِسَادَةً، فَقَالَ: إِنِّي لَمْ آتِكَ لِأَجْلِسَ، أَتَيْتُكَ لِأُحَدِّثَكَ حَدِيثًا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُهُ: (**مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً**)»[64]. ترجمه: عبدالله بن عمر در هنگام واقعه الحرة در زمان یزید بن معاویه نزد عبدالله بن مطیع آمد برایش گفته شد: این امر را به أبي عبدالرحمن بگذار، او گفت: من نیآمده ام تا کسی را بر تخت بنشانم، من آمده ام تا برایت حدیثی را بازگو نمایم که از نبی صلی الله علیه وسلم شنیده ام که میگفت: «کسیکه از اطاعت امام دست بکشد، در روز قیامت در حالی الله را ملاقات میکند که هیچ دلیل و حجتی بروی نمیباشد، و کسیکه در گردنش بیعت امیری را نداشته باشد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است».

و شیخ محمد بن عبدالوهاب میگوید: [و جهاد را تا روز قیامت با هر امام جاری میدانم ، عم ازینکه نیکوکار باشد و یا فاسق و فاجر ... و سمع و طاعت از آئمه مسلمانان را واجب میدانم، عم ازینکه نیکوکار ویا بدکار ، تا زمانیکه به عدم اطاعت الله و معصیت از او امر نکند][65].

---

63. متفق علیه.

64 - راجع مجموع الفتاوی لابن تیمیة 190/9.

65. الکبائر ، و اصول الایمان ، للشیخ محمد بن عبدالوهاب.

[18]

در هر سرزمین جهاد که قرار داشته باشید بر شماست تا از طرف شب به محافظت و حراست پابند باشید، **و برای سه فرد حلال نیست** که بخوابند در حالیکه امیری نداشته باشند و یکی از آنها جهت حراست بیدار نباشد، و از وصیت أبي بکر رضی الله عنه برای یکی از رهبران لشکرش اینست: [از حملات شبانه خود را در امان دارید ؛ زیرا در عرب ها عادت است که ازطرف شب ناگهان حمله ور میشوند][66]، و از نوبت خود در حراست شبانه سرکشی نکن، زیرا تو در خطوط مقدم با دشمن قرار داری، و در حق برادرانت الله را بخاطر داشته باش.

[19]

الإعداد الإعداد[67] ای برادر مسلمان؛ زیرا الله تعالی میفرماید: **{وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ}**، ترجمه: و آنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آنها آماده سازید ، و همچنان از اسپان بسته (ی ورزیده ، مهیا کنید).

و از جمله موارد إعداد تمرینات ورزشی است که باعث بالا رفتن قوت بدنی میگردد، و همچنان آموزش تکتیک های جهادی و استعمال سلاح های گوناگون؛ از همین جهت گفته شده است که آموختن هرچیز باید در وقت آن صورت گیرد در غیر آن ازدست میرود؛ پس برای فردا، امروز آمادگی بگیر.

[20]

الرباطَ الرباطَ[68]؛ برای جهاد در راه الله، و حفظ سرحدات، و کثرت تعداد لشکر مسلمانان و ترسانیدن دشمن؛ هرچند مدت زمان این وضعیت بر تو دراز آید، و اگر تو در مکان و وضعیتی قرار

---

66. [احترِسْ من البَيَات؛ فإن في العربِ غِرَّةً]؛ أخرجه ابن عساكر في تاريخه ، عزاه في كنز العمال إلى الدينوري.

67. گرفتن آماده گی برای جنگ ، عم ازینکه این آمادگی ها بدنی باشد و یا تهیه و تدارک تجهیزات حربی مانند؛ اسلحه و سواری....وغیره.

68. رباط: بمعنی: آماده گی و تجهیز برای جهاد في سبیل الله میباشد ، از همین جهت خطوط مقدم جهاد با دشمن را رباطاً میگویند. و همچنان ملازمت و استقامت در خطوط مقدم با دشمن را و محافظت از مرز های اسلام با کفر را نیز میگویند (مترجم).

داشته باشی که از دشمن در هراس باشی و دشمن از تو هراس داشته باشد همین امر را رباط گویند؛ همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**}، ترجمه: أی کسانیکه ایمان آورده اید! صبر کنید و دیگران را به صبر و شکیبائی فرا خوانید و مرز ها را نگهبانی کنید ، و از الله بترسید تا شاید رستگار شود.

و نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**رِباطُ يَومٍ في سَبيْلِ الله خَيرٌ مِنَ الدّنْيا ومَا عَلَيْها**»[69].

ترجمه: یک روز حراست از سرحدات اسلام و [جهاد در خطوط مقدم با دشمن] در راه الله بهتر از دنیا و آنچه در آنست میباشد.

[21]

ای برادر مقابله با دشمن را هرگز تمنا نکن! خصوصاً زمانیکه این تمنایت از خود صفتی و تکبر و از روی تعجب برخودت[70] باشد ؛ طوریکه نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید:« **لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، وَسَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ، فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ** »[71].

ترجمه: روبرو شدن با دشمن را تمنا نکنید، و از الله عافیت بخواهید، و چون با دشمن روبرو گردیدید پس صبر و استقامت اختیار کنید، و بدانید که جنت زیر سایه های شمشیر است.

و برتوست که هرگاه دو صف [اسلام و کفر] باهم روبرو شدند دعاء کنی ، زیرا الله دعاء را در آن هنگام اجابت میکند، همانطوریکه نبی صلی الله علیه وسلم در روز غزوه احزاب دعاء کرد: «**اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَمُجْرِيَ السَّحَابِ وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ اهْزِمْهُمْ وَانْصُرْنَا عَلَيْهِمْ** »[72].

ترجمه: ای الله! ای ذات نازل گرداننده ای قرآن، و در حرکت در آورنده ابرها، و شکست دهنده گروه ها و احزاب، ما را بریشان یاری و پیروزی نصیب گردان.

---

[69]. متفق علیه.

[70]. یعنی خود را بسیار قوی و توانگر در شکست دشمن بپنداری ، و ازین غافل باشی که نصرت و پیروزی صرفاً از جانب الله است.(مترجم).

[71]. متفق علیه.

[72]. متفق علیه.

و همچنان از دعا های نبی صلی الله علیه وسلم این بود:«**اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَحُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ** »[73]. ترجمه: یا الله تو بازوی من و یاری دهنده ئی من هستی، من به کمک تو حیله دشمن را نابود میکنم و به توکل و اعتماد تو بر دشمن حمله میکنم و به تأیید و نصرت از جانب تو با ایشان میجنگم.

[22]

قلب های خویش را در مقابل دشمن جرأت دهید؛ زیرا اینکار از اسباب نصرت و پیروزی است، و بدانکه از سنگین ترین امور بر سپاهیان الله رفتن به جهاد و کثرت قتال در راه الله میباشد، و کینه و اکراه خویش را بردشمن به کثرت یاد کنید، زیرا باعث استحکام قدوم شما میگردد، و یاد کنید که دشمن شما را از مادران و خواهران تا دور گردانیده است و شما را از رفتن به نماز جمعه و جماعات در مساجد باز داشته است و رابطه ای شما را با زراعت و تجارت قطع کرده است، و در یک جمله کوتاه : آنان برای شما هیچ چیزی را در دین و دنیا نگذاشته و شرایط را بر شما تنگ گردانیده است.

[23]

و هرگاه در لشکری بسوی دشمن حرکت کردید پس نقشه و سایر وسائل و تجهیزات حرب را باخود ببرید، چون درصورتیکه نتوانید سرزمین اسلام را از سرزمین دشمن، و راه رفت و بازگشت خویش را تفکیک نماید این وسائل شما را کمک میکند، و با خود همچنان زاد و توشه سفر را به قدر کفایت حمل کنید، چون؛ سلاح و طعام و دواء ... وغیره، و از آنچه که ترا در جنگ علیه دشمن کمک میکند جدا نشو، و سلاح و سایر لوازم ضروری خویش را همیشه باخود داشته باشید، و همچنان دواء و لوازم پانسمان را همیشه با خود حمل کنید، تا زخم ها را پانسمان و درد ها را مداوا کنید، و در لباس پوشیدنت زیاده روی نکیند.

73. أخرجه أبو داود والترمذي وقال: حسن غريب، وصححه الألباني، ولفظه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا غَزَا قَالَ: اللهم.... إلخ.

[24]

[قبل از پرداختن به جنگ اعمال نیک زیادی انجام بده ؛ زیرا هر فرد به قوت اعمال نیک خویش میجنگد][74]، و بهترین اعمال آنست که دریک صفت واحد و با عقیده واحد انجام گردد، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ**}، ترجمه: بی گمان الله کسانی را که چون بنیان آهنین صف بسته اند و در راه الله جهاد میکنند دوست میدارد؛ و برحذر باشید از اختلاف در نیت و مقاصد خویش؛ زیرا اگر همگی بخاطر امری واحدی جمع شده باشند اما نیت هایشان مختلف باشد، این امر سبب اختلاف در میان شان میگردد، و بدان که شخص بر قوت و استواری برادرانش استوار است، همانطوریکه در ضرب المثلی میگویند: «المهِين من نَزَلَ وَحْده».

[25]

از ترس دشمن برحذر باشید! و تنها ترس الله را در قلبهای خویش داشته باشید، و بر او توکل کنید، همانطوریکه الله متعال میفرماید: {**قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**}، ترجمه: دوتن از مردانی که میترسیدند، و الله به آنها نعمت فروانی ارزانی داشته بود گفتند: شما از دروازه بر آنان وارد شوید، پس هنگامیکه وارد شدید قطعاً پیروز خواهید شد، و بر الله توکل کنید اگر ایمان دارید.

و بدان که نصرت و تمکین تنها بدست الله متعال است و بس: {**إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ**}، ترجمه: اگر الله شما را

[74]. این قول از أبي درداء رضی الله عنه روایت است ، و بخاری بابی را تحت این قول تخریج کرده است (بَاب عَمَل صَالِح قَبْل الْقِتَال، وَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاء: إِنَّمَا تُقَاتِلُونَ بِأَعْمَالِكُمْ)، والجملة الأولى من الأثر منقطعة السند، والثانية سندها صحيح. من "فتح الباري".

یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد ، و اگر شما را بحال خود واگذارد (و یاریتان نکند) پس چه کسی بعداز او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند.

طبري در تفسیرش میگوید: [**فلا غالبَ لَكُم**] یعنی: بر مردم، و میگوید: هیچ کسی با نصرت الله بر شما غالب آمده نمی تواند، هر چند بر علیه شما همه موجودات [و کسان] را الله در میان شان خلقت کرده است استعمال کنند، پس از دشمنان الله بخاطر قلت تعداد خویش و کثرت تعداد آنان نترسید، تا زمانیکه بر امر الله قایم بوده و در اطاعت الله و رسول او صلی الله علیه وسلم استوار باشید؛ درینصورت غلبه و پیروزی از آن شما است، پس نصرت را در دعاء هایتان از الله بخواهید و به وی استغاثه کنید؛ زیرا همانا دعاء عبادت است و اثر عجیبی در نصرت و تصحیح نیت ها دارد، الله متعال میفرماید: {**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلاً مَا تَذَكَّرُونَ**}. ترجمه: (آیا این بتها بهترند) یا کسیکه دعای مضطر (=درمانده) را اجابت میکند، چون او را بخواند، گرفتاری را برطرف میسازد، و شما را جانشینان زمین قرار میدهد، آیا اله دیگری با الله است؟! چه اندک پند میگیرید.

[26]

تمام کوشش های خویش را در جنگ علیه دشمن متجاوز بخرج دهید، و از سستی و عاجزی در مقابل ایشان برحذر باشید، زیرا دو مرض خطرناکی است که نبی صلی الله علیه وسلم از آن پناه خواسته است؛ پس شما نیز از این دو خصلت از الله پناه بخواهید، و بدانید که اجر و پاداش این عمل – به مانند سایر عبادات– بستگی به قدر مشقت دارد که درین راه یک مسلمان و مجاهد متحمل میگردد، طوریکه الله متعال میفرماید: {**وَلاَ يَقْطَعُونَ وَادِياً إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ**}، ترجمه: و هیچ وادی (و سرزمینی) را نمی پیمایند ، مگر اینکه برای آنها نوشته میشود ، تا الله پاداش نیکوترین کردارشان را به آنها بدهد.

و نبی صلی الله علیه وسلم میفرماید: (**احْرِصْ على ما يَنْفَعُكَ، واستعنْ بالله ولا تَعْجِز**)[75].

ترجمه: بر چیزی که برای تو منفعت میرساند حریص باش، و از الله کمک و یاری بخواه و عاجزی اختیار نکن.

[27]

[ای أهل اسلام! همانا صبر عزت است، و عاجزی ناکامی، و بدانکه نصرت با صبر حاصل میشود][76]، و بدان که بزدلی سبب کشته شدن و حرص زیاد سبب محرومی میگردد ، و آنکه در جنگ در فرار از دشمن کشته میشوند بیشتر از آنانی است که رو در رو با دشمن کشته میشوند ، و در اول اسلام فرض این بود که یک مسلمان نباید از گروه ده نفری دشمن فرار کند ؛ پس امروز ما چه شده است؟ الله تعالی میفرماید: {**وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ**}؛ ترجمه: و هرکه در آنروز به آنها پشت کند، مگر آنکه (هدفش از کناره گیری) برای حمله دوباره یا (قصد) پیوستن به گروهی (دیگر باشد)، به غضب الله بازگشته است، و جایگاه او جهنم است و چه بد جایگاهی است.

پس یکجا با امیر خویش صبر پیشه کن و وی را در قتال با دشمن و هنگام رویاروی دو صف بر صبر توصیه کن، زیرا مصابره[77] از لوازم نصرت است، و نتائج صبر ستودنی است، و عاقبت صبر نصرت

[28]

گفتن تکبیر را هنگام مشاهده دشمن بخاطر داشته باش! بدلیل قول نبی صلی الله علیه وسلم زمانیکه

75 . مسلم.

76 . این قول به خالد بن ولید بدون سند منسوب است ، – عیون الأخبار ، و العقد الفرید.

77 . یکدیگر خویش را به صبر توصیه نمودن.

مشاهده کرد که «اهل خیبر» با بیلچه های خویش (جهت کشت و زراعت) بیرون برآمده اند گفت:«**الله أکبر** –ثلاث مرات– **خَرِبَتْ خيبرُ؛ إنا إذا نزلنا بساحة قومٍ فَسَاءَ صباحُ المُنذَرين**»[78].

ترجمه: الله أکبر –و سه بار این را تکرار کرد– و گفت: خیبر ویران شد؛ و ما چون بر سرزمین قومی فرود آئیم پس بد است صبح آنانیکه (از عذاب الله در دنیا و آخرت) ترسانیده شده اند.

نووی در شرح اش بر مسلم 164/12 میگوید: و درین حدیث حکم استحباب گفتن تکبیر در هنگام روبرو شدن با سپاه دشمن ثابت میگردد.

و گفتن تکبیر یا (الله اکبر) از میان اذکار الله در هنگام روبرو شدن با سپاه دشمن مستحب گفته شده است.

اما از أبي موسى أشعرى روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم از بلند کردن صدا در هنگام قتال کراهیت داشت[79]، و از قیس بن عُبَاد نیز روایت است که میگوید: «**كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم يَكْرَهُونَ الصَّوْتَ عِنْدَ الْقِتَالِ**»[80]. ترجمه: اصحاب نبی صلی الله علیه وسلم از بلند کردن صدا در هنگام قتال کراهیت داشتند.

و عتبة بن ربيعة برای اصحابش در روز بدر هنگامیکه عساکر رسول الله صلی الله علیه وسلم را دید گفت: [**ألا ترونهم ... يَتَلَمَّظون تَلَمُّظَ الحَيَّات**][81]، ترجمه: آیا ایشان را در حالی میبینم که ... زبان های خویش را در دهان خود میچرخانند تا مزه زندگی را برای آخرین بار بچشند.

و همچنان هنگامی که عائشه رضی الله عنها در روز جنگ جمل اصحاب اش را دید که تکبیر

---

[78]. متفق علیه.

[79]. و ابن حجر در تخریج الأذکار از نووی آنرا (حسن) قرار داده است،و حاکم آنرا د مستدرک خویش تخریج کرده است و گفته است: این حدیث صحیح بر شرط شیخین (مسلم و بخاری) میباشد ، اما آنرا تخریج نکرده اند ، و حدیث هشام الدستوائي برآن شاهد میباشد ، و ذهبی نیز با وی موافقت کرده و گفته است: این صحیح ترین است. **اما آلبانی** آنرا در تخریج احادیث جامع الصغیر (4613) ضعیف خوانده است./السلسلة الضعيفة (4289). متن حدیث : [عن أبي موسى الأشعري : أن رسول الله ρ كان يكره رفع الصوت عند القتال].(مترجم)

80 - أخرجه أبو داود (2656) وصححه الألباني موقوفًا، وقال الطبری: [في هذا الحديث من الفقه: كراهيةُ رفع الصوت بالدعاء، وهو قول عامة السلف من الصحابة والتابعين].

62 – یعنی: هیچ صدای شان بیرون نمی آید، و تلمظ از لمظ: بمعني چرخانیدن زبان در هان برای جستجوی مواد باقی مانده طعام در دهان است ، از همین جهت برای آثار باقی مانده ئی طعام در دهان و در خلا های دندان «لماظه» میگویند ، أخرجه ابن عساكر في تاريخه، وأورده في "عيون الأخبار" و"العِقد الفريد" بلا سند.

میگویند، گفت: [**لا تُكْثِرُوا الصياحَ؛ فإنَّ كثرةَ التكبيرِ عند اللقاءِ من الفشل**][82]، ترجمه: زیاد چیغ و فریاد نزنید؛ زیرا کثرت تکبیر گفتن در هنگام مقابله با دشمن از نشانهای شکست و ناکامی است.
بناً سکوت و سِری بودن در هنگام جهاد و مقابله با دشمن بهتر است، مگر در صورتیکه حملات دشمن کرراً واقع گردد[83].

[29]

و برحذر باش ازینکه در چیزی از غنائم خیانت نمائی؛ زیرا الله متعال میفرماید: {**وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**}، ترجمه: و هر کس خیانت کند روز قیامت همراه با آنچه (که در آن) خیانت کرده است آورده میشود.

و از ابن عباس روایت است که میگوید:[**ما ظَهَرَ الغُلولُ في قوم قطُّ إلا أُلْقِيَ في قلوبهم الرُّعْبُ**].[84]. ترجمه: هیچ یک قومی نبوده است که در میانشان خیانت کارانی ظهور کرده باشد مگر اینکه الله در قلب هایشان ترس را انداخته است.

[30]

وصیت الله برای ما اینست که در جنگ آداب آنرا رعایت کنیم، طوریکه میفرماید: {**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**}. ترجمه: أی کسانیکه ایمان آورده اید! هنگامیکه با گروهی (از دشمن) روبرو شدید، پایدار (و ثابت قدم) باشید، و الله را بسیار یاد کنید

82 – أورده عنها في "عيون الأخبار"، و"العقد الفريد".
[83] . مراجعه گردد به «صبح الأعشى».
84. ضعفه الألباني موقوفاً.

تا رستگار شوید، و الله و رسول او را اطاعت کنید، و با همدیگر نزاع نکنید، که سست شوید، و قوت (و مهابت) شما از هم بپاشد، و صبر کنید بی گمان الله با صابران است.
و وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم اینست: (**أُغْزُوا في سبيل الله؛ تقاتلون مَن كفر بالله، لا تَغُلُّوا، ولا تَغْدِروا ، ولا تُمَثِّلوا...**)[85]. ترجمه: در راه الله بجنگید! و آنانی را که به الله کفر میوزند بکشید، اما از حد نگذرید، و خیانت نکنید، و کسی را مثله[86] نکنید.

[31]

همیشه أمیر المؤمنین را در غیاب اش و برادران مسلمان خویش دعاء کن؛ و هرکسیکه بر بالای برادرش و دین او مهربان است پس او را در هنگام سحر و سجده و آذان و مهم تر از آن در هنگام رویاروی دو صف [مسلمانان و کفار] از دعای خویش محروم نگرداند، همانطوریکه فضیل بن عیاض میگوید: [**لو كان عندي دعوة مستجابة لم أجعلها إلا في الإمام؛ فإنه إذا صَلَحَ أَخْصَبَت البلادُ وأَمِنَت العباد**]؛ ترجمه: اگر نزد من دعائی باشد که مستجاب گردد حتماً آنرا برای امام و امیر المؤمنین قرار میدهم، زیرا اگر او صالح گردد شهرها حاصلخیز و ثروتمند و صالح میگردد و بنده گان در امنیت قرار میگیرند؛ آنگاه عبدالله بن مبارک سرش را بوسید و گفت: [**لا يُحْسِنُ هذا غيرُك**][87]؛ ترجمه: هیچ کسی بهتر از تو درین امر نیست.

85. صحیح مسلم.
86. مثله: به معنی بریدن گوش یا بینی ، ویا کشیدن چشم یا قلب و امعاء جسد ویا قطع نمودن اعضاء ، و التشویة: به معنی زشت ساختن صورت است.(مترجم).
87. أخرجها ابن عساكر في تاريخه، وأبو نعيم في "الحلية"، والبربهاري في "شرح السنة"، واللالكائي في أصول الاعتقاد، وأوردها كثيرون منهم: الذهبي في تاريخه.

حالا من دعاء میکنم و شما آمین بگوید!!!

اللهم ارزقني الإخلاص في القول والعمل، اللهم ثَبِّتْني على الحق وسَدِّدْ رأيي، اللهم لَيِّن قلبي لأهل طاعتك بموافقة الحق وارزقني الغلظةَ والشدة على أعدائك، اللهم إني ضعيف عند العمل بطاعتك؛ فارزقني النشاط فيها والقوة عليها، ولا تجعلني من الغافلين، اللهم اجعلني عندك عظيماً وفي نفسي وَضِيْعاً وعند إخواني محبوباً مُهاباً، اللهم أَعِذْني من الأسر وارزقني شهادةً في سبيلك، ولا تأخذني على غِرَّة، وأحسن خاتمتي في الأمور كلها يا مُقَلِّبَ القلوب.[88].

برادر تان

أبو حمزه المهاجر

1/رمضان/1428 هجرت

برای برادران مجاهد خویش دعاء کنید

ناشر: مركز الفجر للإعلام

ذو الحجة 1431 هـ

[88]. یا الله مرا اخلاص در قول و عمل نصیب گردان ، یا الله مرا براه حق ثابت نگهدار و عقیده مرا مستحکم بدار ، یا الله قلب مرا نسبت به اهل اطاعت ات و موافقت با حق نرم بگردان ، یا الله مرا در مقابل دشمنانت شدت و غلظت نصیب گردان ، یا الله من ضعیف هستم از اینکه ترا بطور شائسته اطاعت و عبادت کنم ؛ پس مرا نشاط و قوت در انجام آن اعطاء فرما ، و مرا از جمله غافلان قرار نده ، یا الله اگر مرا بزرگ میداری پس نزد خود بزرگ بدار و اگر کوچک میداری نزد خود کوچک گردان و نزد برادرانم مرا محبوب و صاحب عزت گردان، یا الله مرا خوش برخورد در مقابل اهل و فامیلم گردان و مرا شهادت در راه خود را نصیب گردان، و مرا در اشبتاهات و خطاء های کوچک مواخذه نکن، و در جمیع امور خاتمه ئی مرا نیک گردان! ای گرداننده قلب ها!!